

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۵۹ دوشنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۸، ۷ اکتبر ۲۰۱۹

www.kurdistanmedia.com



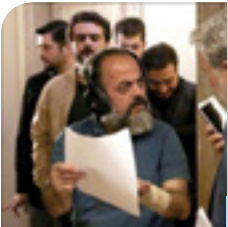
دست بردن به جیب مردم

۷



دموکراسیخواهی به سبک ایرانی ...

۶



نگاهی به سریال کاندو

۵



فردای پس از پایان جنگ ...

۴

زخم‌های التیام نیافته عراق سر باز کردند



حزب دمکرات و دیپلمات‌های کانادا به گفتگو پرداختند

۲

پیام مصطفی هجری به مناسبت درگذشت پروفیسور «عزالدین مصطفی رسول»

۲

کتاب «هیچ دوستی جز کوهستان» به چاپ رسید

۳

سخن

دورافتادگی و
درک نکردن
کریم پرویزی

دشمنی با حکومتی که بر یک کشور یا جغرافیایی حکمرانی می‌کند می‌تواند چندین دلیل داشته باشد، بدان معنا که همه اشخاصی که با حکومتی ضدیت دارند به سان هم نیستند و همه با یک هدف مشترک، بر ضد این حکومت نیستند.

شاید اشخاصی تنها بدلیل آنکه نقشی در حکومت ندارند، نقش اپوزسیون را بازی می‌کنند و اگر روزی از روزها طعم شیرین قدرت را بچشند، از دشمنی با حکام سایه گستر دست بردارند، اشخاصی نیز هستند که دشمنی آنان با حکومت، تنها بدین دلیل است که مخالف هرگونه قدرتی هستند و در واقع همواره در تلاشند تا نقش مخالف را بازی کنند، یا به معنای دیگر همواره گارد مخالف به خود بگیرند.

در بین این دو دشمنی با حکومت، احتما دارد ده‌ها و صدها نفر باشند که در ساختار اپوزیسیون جای بگیرند، احتمال دارد که حقوق گرویشان نقض شده باشد و یا سیاست حکومت را در بخشی قبول نداشته باشد، یا از بن و ریشه با ایدئولوژی و فکری آن به کلی در تضاد باشد.

در داخل اپوزیسیون ایرانی، تمام این رنگ و چهره‌های متفاوت وجود دارد و به وفور دیده می‌شود افرادی که با ولایت فقیه در دشمنی هستند چون از آن کنار گذاشته شده‌اند.

در مدت چهار دهه ظلم و ستم جمهوری اسلامی، اینگونه جریان‌ات به وفور بوجود آمده و سپس ضعیف گشته و مانند شخص و اشخاص متفرق شده و در جاهای دور افتاده سکنا گزیده‌اند و این پرسش برایشان بوجود آمده که چرا مردم به گفته‌های آنان توجه نمی‌کنند، آنان که شعارهای قابل توجهی داده و جملات زیبایی بر زبان آورده‌اند؟ پس چرا مردم بعنوان آلترناتیو به آنان نمی‌نگرند؟

این سوال، پرسشی بسیار کلیدی و حساس است که شاید کسی قاطعانه به آن اشاره نکند و حتی انشعاب کرده‌ها نیز خود را رهبر مردم تلقی کنند، اما

ادامه در صفحه‌ی ۲

است. علت هم این است ابهت آنان در ذهن فرد خواهد شکست. این درهم شکستن همان چیزی است که خامنه‌ای به مانند "اقتدار" از وی نام می‌برد و تکرار می‌نماید. مورد دوم، هژمونی ایران را مورد هدف قرار می‌دهد. به این معناست که کریدور رژیم برای دخالت و روانه کردن تسلیحات به سوریه، یمن و لبنان ناامن و غیرثبات می‌کند، از اینجا به بعد سپاه پاسداران باید خود را در مقابل عراق ق به ویژه جامعه شیعه نظاره کند. روی دیگر سکه این است ایران و سپاه پاسداران نه تنها دوست نیست بلکه اشغالگر است و باید یا به داخل مرزهای خود باز گردد یا با مانندن خود، انتظار آینده‌ای مبهم و نامعلوم داشته باشد. این واقعیتی است که باید از آن به عنوان سر باز کردن زخم‌های التیام نیافته عراق نام برد که روشن است منبع آن همان رژیم ایران است.

برای حمایت از دولت عراق به هر شیوه‌ای نسبت به معترضان اقدام می‌کند و برای جلوگیری از کودتا یا انقلاب آماده اجرای هر دستوری است. بطور کلی این اعتراضات هر نتیجه‌ای داشته باشد از دو بعد بسیار مهم تاثیر بر جمهوری اسلامی ایران خواهد گذاشت: نخست؛ از لحاظ مشروعیت در عراق و انتظار عمومی داخل و خارج. دوم؛ آینده استراتژیک سیاست زیاده‌خواهی و بالانس قدرت. مورد نخست: ستون اصلی رژیم را متوجه است؛ که آن هم شایعه‌پراکنی و تبلیغات و همه واقعیت‌های تحریف شده را به مانند واقعی خود نمایان می‌کند که مردم کشورهای همسایه، عکس شعارهای رژیم هیچ ضرورتی برای حضور رژیم در داخل کشور و جامعه خود لازم نخواهند دید. همین مورد هم باعث می‌شود که مردم در داخل به ضعف اصلی رژیم پی ببرند و احساس نبود لزوم ایران کابوس همه رژیم‌های پوپولیست و یکی از آنها رژیم اسلامی ایران

از شعارهای اصلی معترضان بوده است که در روزهای گذشته همراه با به آتش کشیدن پرچم رژیم تهران و مراکز و نهادهای حشد شعبی وابسته به تهران، بیانگر آن است جهت اصلی این اعتراضات بیرون کردن ایران و بازگشت شکوه و حاکمیت عراق از سوی جوانان این کشور است. در این بلبشو دفتر رسمی علی خامنه‌ای به نقل از وی و در پیامی توییتیرو حوادث عراق را به "دشمنان" نسبت داد و اعلام کرد: "دشمنان (روشن نیست منظور کیست؟) در تلاش برهم زدن روابط سالم و اصولی ایران و عراق هستند و این توطئه هم برملا خواهد شد." چند روز پیش "حسین شریعتمداری" نماینده ویژه خامنه‌ای در "کیهان" خطاب به مردم عراق اعلام داشت: "سفارتخانه آمریکا در بغداد به مانند سفارتخانه این کشور در ایران، همچون سال ۵۷ تسخیر شود." همچنین بخشی از حشد شعبی وابسته به رژیم ایران به طور رسمی اعلام کرده است که

در مراکز تصمیم‌گیری این کشور و ثانیاً اعتراض عمومی به وضعیت معیشت و نبود خدمتگزاری لازم از سوی حکومت مرکزی. موضوع قابل توجه در این میان که نقطه تمایز اعتراضات در مقایسه با اعتراضات گذشته است؛ این است که معترضان علنا خواستار آن هستند دست تجاوز و آشوبگرانه جمهوری اسلامی ایران را کشورشان قطع گردد. این موضوع حاکی از این واقعیت دارد که رژیم تهران گرچه نزدیک به ۴ دهه سعی در تحمیل هژمونی خود و تحکیم جایگاه خود در این کشور دارد با شکستی بزرگ مواجه شده است. اهمیت دیگر این اعتراضات این است که شکست ایدئولوژیکی رژیم تهران در عراق با قیام مردم در شهرهای مذهبی کربلا و نجف به اوج خود رسید. دو کلان شهر شیعه‌نشین، که سالیانی دراز است جمهوری اسلامی سعی بر آن دارد هژمونی ایدئولوژیکی خود را تحمیل کند. "ایران برو بیرون" یکی

بعد از ۱۶ سال از سقوط رژیم بعث و روی کار آمدن سیستمی فدرال در عراقم به سبب حل نکردن مشکلات و مصائب زیرساختی این کشور و همچنین دخالت‌های مداوم کشورهای منطقه و بارزتر از همه ایران تحت لوای حکومت جهموری اسلامی، باری دیگر تظاهرات و اعتراضات عمومی روی داد و در اقصی نقاط شهر و شهرستان‌های مرکزی و جنوب این کشور مردم به خیابان‌ها آمدند. اعتراضات عمومی روز سه‌شنبه نهم مهر ماه شروع شد؛ نخستین شهرهای معترض نسبت به وضعیت تحمیل شده نجف و ناسریه بودند و سپس به شیوه‌ای گسترده بغداد پایتخت عراق و حتی مناطق سبز را در بر گرفته است. آمارهای رسمی حاکی از آن است که بیش از ۶ هزار نفر در این حادثه زخمی شده‌اند و بیش از ۱۰۰ نفر هم کشته شده‌اند. اعتراضات اواخر این باره در عراق دو جهت اصلی به خود دارد: نخست اینکه اعتراضات به حضور و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران

حزب دمکرات و دیپلمات‌های کانادا به گفتگو پرداختند

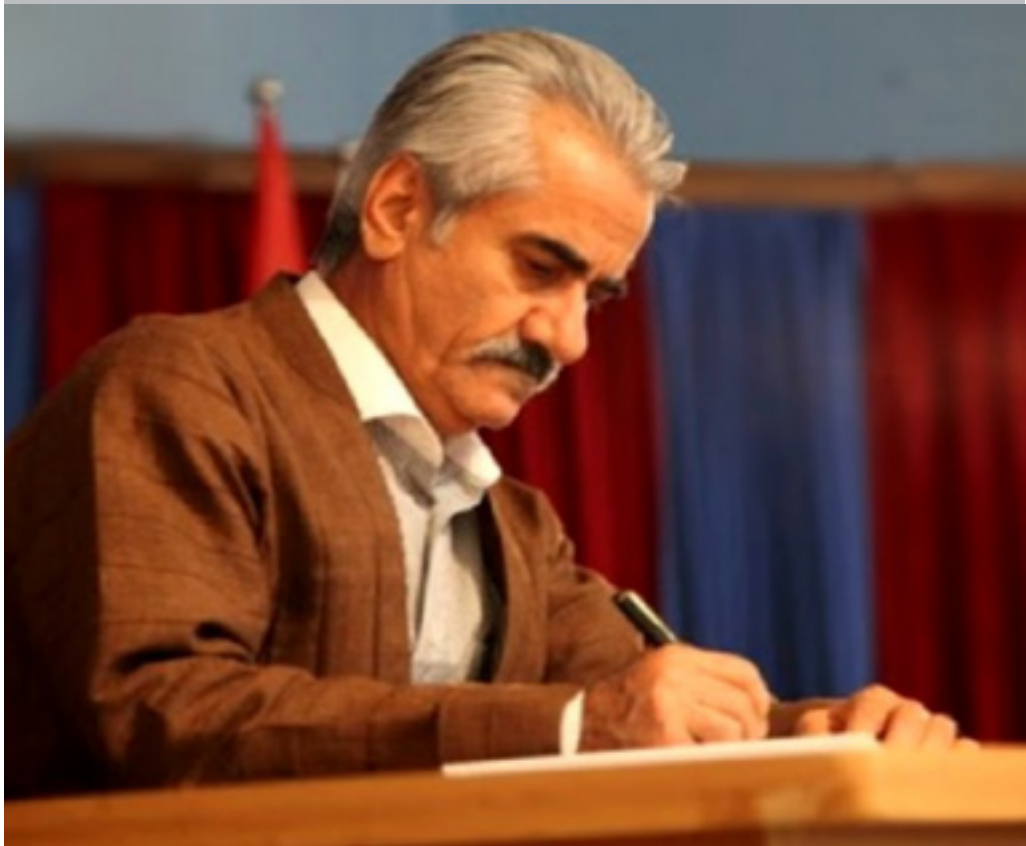


دیدار و نشست درباره وضعیت کوردستان و زندانیان سیاسی گفتگو کردند. روز دوشنبه، هشتم مهرماه ۱۳۹۸، هیئتی از سفارت‌خانه کانادا در عراق؛ به سرپرستی خانم "اشلی دورک"، مسئول دفتر سفارت کانادا در عراق به همراه دبیر نخست سفارت‌خانه "طارق گوردون"، از دفتر روابط عمومی حزب دمکرات کوردستان ایران در شهر "سلیمانیه" دیدار کردند.

در این دیدار، ابتدا ضمن خیر مقدم به مهمانان، بحث مفصلی در مورد حزب دمکرات و وضعیت کلی حزب برای مهمانان تشریح شد. در این دیدار "قادری" وضعیت کنونی ایران و بویژه کوردستان و همه مشکلاتی که رژیم جمهوری اسلامی در کوردستان ایران پدید آورده است برای مهمانان سخنانی

مسئول اجرایی حزب و مسئول روابط عمومی کل، به همراه "طاهر محمودی" مسئول ارگان تشکیلات و "اسماعیل رحمانی" مسئول روابط عمومی حزب در "سلیمانیه"، مورد استقبال قرار گرفتند. در این دیدار، ابتدا ضمن خیر مقدم به مهمانان، بحث مفصلی در مورد حزب دمکرات و وضعیت کلی حزب برای مهمانان تشریح شد. در این دیدار "قادری" وضعیت کنونی ایران و بویژه کوردستان و همه مشکلاتی که رژیم جمهوری اسلامی در کوردستان ایران پدید آورده است برای مهمانان سخنانی

پیام مصطفی هجری به مناسبت درگذشت پروفسور "عزالالدین مصطفی رسول"



"مصطفی هجری"، مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، به مناسبت درگذشت پروفسور "عزالالدین مصطفی رسول"، پیام تسلیت خویش را منتشر نمود. متن پیام بدین شرح است: بانوی ارجمند روناک گرامی، همسر محترم پروفسور عزالدین مصطفی رسول

پروفسور عزالدین در سال ۱۹۳۴ میلادی در سلیمانیه به دنیا آمد، در مدت ۸۵ سال زندگی گرانها، خدمات شایانی به جنبش آزادیخواهی کوردستان، بویژه در زبان و ادبیات کوردی کرده است. با در نظر گرفتن زندگی و آثار پروفسور عزالدین، این واقعیت غیر قابل انکار برایمان اثبات می‌گردد که کوردستان و کورد، چنین شخصیت‌های بزرگی دارد که منفعت‌های ملی را به خواسته‌های زندگی خویش ترجیح می‌دهند. پروفسور عزالدین با مجموعه‌ای از آثار، که بیش از ۹۰ کتاب و مقاله به شیوه نوشتاری، تحقیقات و ترجمه ثبت کرده است، بزرگترین دغدغه وی هویت ملی بوده است

حزب دمکرات کوردستان ایران
مسئول اجرایی
مصطفی هجری
یازدهم مهرماه ۱۳۹۸ شمسی
۲ اکتبر ۲۰۱۹ میلادی

پروفسور "عزالالدین مصطفی رسول" درگذشت



پروفسور "عزالالدین مصطفی رسول"، نویسنده و شخصیت مبارز و نامی ملت کورد، در شهر سلیمانیه دار فانی را وداع گفت. سحرگاه امروز یازدهم مهرماه، پروفسور "عزالالدین مصطفی رسول"، به دلیل بیماری مغزی در سن ۸۵ سالگی در سلیمانیه درگذشت. پروفسور "عزالالدین"، فرزند "ملا مصطفی صفوت"، نوه حاجی "ملا دیلژه"، در سال ۱۹۳۴ در محله "درگزین" سلیمانیه بدنیا آمد.

بعد از اتمام زبان، "عزالالدین مصطفی رسول" همراه با "کمال مظهر" و "نسرین"، به باکو رفت و در سال ۱۹۶۳ مدرک دکترا را کسب کرد.

در سال ۱۹۶۵ به کوردستان بازگشت و پیشمرگه "حزب شیوعی عراق" شد، اما بعد از یک سال اقامت در قرارگاه بارزانی، در ۱۹۶۶.۱۲.۲۶، با تلاش‌های "ملا مصطفی بارزانی"، در دانشگاه بغداد بعنوان استاد بخش کوردی به فعالیت پرداخت، سال ۱۹۷۹ به مسکو رفته و ادامه تحصیل داده و مدرک دکترا و پروفسوری خود را اخذ کرده است.

"عزالالدین مصطفی رسول"، یکی از موسسان "اتحادیه نویسندگان کورد" بوده و نخستین بیاننامه توسط وی نوشته شده است. "عزالالدین مصطفی رسول"، ۸۶ اثر نامی دارد، از همان اوایل جوانی اقدام به روزنامه نویسی کرده است، آخرین مرتبه در مجله "ژین"، متنی را به زبان کوردی ترجمه کرده است.

پروفسور "عزالالدین" در سال ۲۰۰۹، جایزه "بله" برای شخصیت ادبی سال را به خود اختصاص داده است.

نامبرده در کنار پدر خویش در مسجد "حاجی ملا دیلژه" درس خوانده، سپس در سال ۱۹۳۹ در مدرسه "غازی"، به ادامه تحصیل مشغول شد.

بعد از مهاجرت به شهر بغداد، در دانشگاه "شریعه" تحصیل کرده است، اما به دلیل فعالیت سیاسی، نتوانست سال نخست در شریعه را به اتمام برساند.

در سال ۱۹۵۱ در خانه معلمان حضور یافت، در سال ۱۹۵۲، در انقلاب مردم شهر بغداد شرکت نمود.

در زمان "عبدالکریم قاسم"، دانشجویی را با خرج دولت به شوروی فرستادند، "عزالالدین مصطفی رسول" هم یکی از این دانش‌آموزان بود.

هیئتی از حزب دمکرات در مراسم ترحیم پروفسور "عزالالدین مصطفی رسول" شرکت کرد

جانشین دوم مسئول اجرایی حزب دمکرات، در مراسم ترحیم پروفسور "عزالالدین مصطفی رسول" شرکت کرد.

هیئت حزب دمکرات در این مراسم، پیام همدردی خود با خانواده مرحوم را اعلام داشتند.

در این ارتباط، پیام همدردی "مصطفی هجری"، مسئول اجرایی حزب دمکرات، تقدیم خانواده محترم متوفی شد.

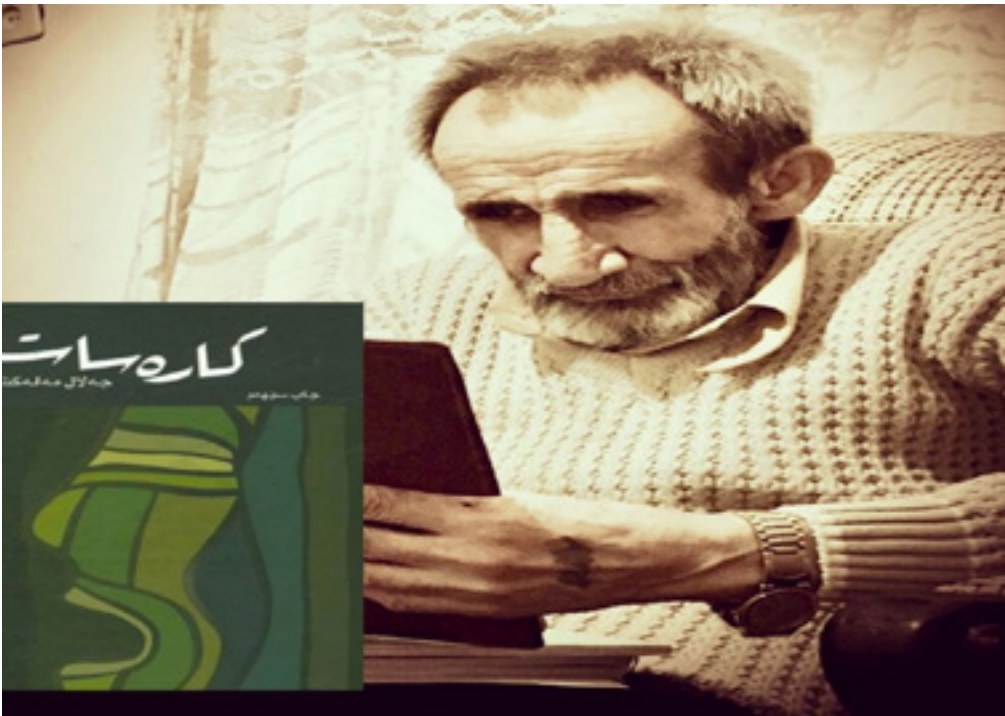
پروفسور "عزالالدین"، نویسنده و روشنفکر و یار باوفای حزب دمکرات کوردستان ایران و بویژه دکتر "قاسملو" بودند که در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۹۸ خورشیدی، در سن ۸۵ سالگی، در شهر سلیمانیه دار فانی را وداع گفت.



هیئتی از حزب دمکرات کوردستان ایران در مراسم ترحیم پروفسور "عزالالدین مصطفی رسول" شرکت کرد و پیام همدردی مسئول اجرایی حزب دمکرات را به خانواده مرحوم ابلاغ داشتند.

روز جمعه، ۱۲ مهرماه ۱۳۹۸ خورشیدی، هیئتی از حزب دمکرات کوردستان ایران به سرپرستی "محمد نظیف قادری"،

"کاره‌سات" به چاپ سوم رسید



در روستای "ملکشاه" از توابع شهرستان "سنندج" متولد شد و با سرودن شعر "داره‌پیره"، مشهور گشت. از آثار جمع‌آوری شده این شاعر می‌توان به "مجموعه آثار جلال ملک‌شاه" به دو زبان کوردی و فارسی، کتاب شعر "زری زنجیری وشه دیله‌کان" و همچنین داستان کوتاه "کاره‌سات" اشاره کرد.

داستان کوتاه است که عبارتند از: "چاوه‌کانی قازی، خاک مه‌یلیر، دل‌داری مندالیم، دهنگی ناشنا، کاره‌سات، گورگ و دلی هیوا". این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۹۱، با همکاری چاپخانه علمی کالج "سنندج" در ۱۰۰۰ تیراژ به چاپ رسید و در معرض دید علاقه‌مندان هنر کوردی قرار گرفت. "جلال ملک‌شاه"، در سال ۱۳۳۰،

کتاب "کاره‌سات"، که شامل مجموعه‌ای داستان کوتاه به نویسندگی "جلال ملک‌شاه"، شاعر نامی کوردستان ایران است، به چاپ سوم رسید. یکی از آثار ادبی "جلال ملک‌شاه" است، نامبرده اهل شهرستان "سنندج" است که کتاب وی بعد از ۷ سال، برای بار سوم به چاپ رسید. این کتاب در کل شامل ۱۹

کتاب "هیچ دوستی جز کوهستان"

به چاپ رسید



حکایت می‌کند. "بوچانی" از سال ۲۰۱۳ تا کنون در کمپ پناهجویان مانوس در نزدیکی استرالیا به سر می‌برد و به وی اجازه ورود به این کشور داده نمی‌شود. نامبرده در این جزیره تا کنون چندین مقاله در ارتباط با مشکلات و گرفتاری‌های پناهجویان اسکان داده شده توسط حکومت استرالیا نوشته است.

کورد اهل شهرستان ایلام است که به مدت هفت سال است در جزیره مانوس استرالیا زندگی می‌کند، نامبرده توانسته جایزه ویکتوریا در بخش ادبیات و جایزه ویکتوریا در بخش غیرداستانی استرالیا را به خود اختصاص دهد. سرگذشت "بوچانی"، در رابطه با زندگی وی است و از سفر خود از مسیر اندونزی به استرالیا از طریق کشتی سخن به میان می‌آورد و سپس از بازداشت و انتقالش به جزیره مانوس در دریای آرام

رمان "هیچ دوستی جز کوهستان"، به زبان کوردی چاپ و در معرض دید خوانندگان قرار گرفت. رمان "هیچ دوستی جز کوهستان" نوشته "بهروز بوچانی"، روزنامه نویس و نویسنده ایلامی، از سوی دکتر "هاشم احمد زاده"، محقق و مترجم کورد، به زبان کوردی چاپ و منتشر شد. این کتاب از سوی چاپ‌خانه "غزل‌نوس" کوردستان و "کتاب ارزان" سوئد منتشر می‌شود. "بهروز بوچانی"، روزنامه نویس

دانش‌آموزان پاوه از لباس کوردی بعنوان لباس فرم استفاده می‌کنند



دانش‌آموزان با لباس اصیل کوردی در کلاس‌ها شرکت کنند. از سوی دیگر، مسئولین آموزش و پرورش رژیم در شهرستان "پیرانشهر"، لباس رسمی دانش‌آموزان را ربوده و بعد از ۵ روز از آغاز سال نو تحصیلی هنوز این مشکل مرتفع نشده است.

دانش‌آموزان در این شهرستان، لباس کوردی باشد. این تصمیم معلمان شهرستان "پاوه"، مورد استقبال قابل توجه دانش‌آموزان و والدین آنان قرار گرفته و باعث خشنودی آنان گردیده است. این اقدام معلمان شهرستان "پاوه"، با این هدف صورت پذیرفته است تا

معلمان مدارس شهرستان پاوه در اقدامی خودجوش، لباس کوردی را بعنوان لباس فرم مدارس دانش‌آموزان در این شهرستان تعیین کردند. معلمان مدارس بخش پسرانه شهرستان "پاوه"، با هدف گرامی داشتن لباس و فرهنگ کوردی، تصمیم گرفتند که لباس فرم

کارمندان کورد از لباس کوردی بعنوان لباس رسمی استفاده می‌کنند



پذیرفته است. در همین ارتباط، معلمان مدارس شهرستان پاوه، لباس کوردی را بعنوان لباس فرم مدارس پسرانه این شهرستان تعیین کردند و از سوی دانش‌آموزان و والدین آنان با استقبال گرمی مواجه شده است. این اقدامات خودجوش، در شهرهای کوردستان و اداره‌های دولتی در حال افزایش است و این نشان دهنده درک و فهم ملت کورد برای حفظ هویت و ارزش‌های ملی خویش است.

لباس یک دست کوردی، در محل کار خویش حاضر شدند. این اقدام کارمندان شهرستان مریوان برای حفظ و ارزش قائل شدن به پوشش لباس کوردی و حفظ ارزش‌های ملی کورد صورت

کارمندان کورد بعضی از ادارات کوردستان ایران، از لباس کوردی بعنوان لباس رسمی استفاده می‌کنند. کارمندان اداره برق شهرستان مریوان در اقدامی خودجوش، با

از کتاب "گیرفانیک له ئه‌رخه‌وانی رابردووم" پرده برداری شد



تلاش‌های وافر برای بهبود جریان شعر کوردی را خواستار شد. سپس، "امین گردیگلانی"، با سخنرانی و "کریم دافعی آزاد" نیز با شعر میهنی، مراسم را مزین کردند. در اختتامیه مراسم، "عثمان شیرزاد"، خالق این مجموعه اشعار، با قرائت سخنانی، مراسم پرده برداری از اثر خود را به پایان رسانید.

هدف پرده برداری از مجموعه اشعار "گیرفانیک له ئه‌رخه‌وانی رابردووم"، اثر "عثمان شیرزاد"، در شهرستان مریوان برگزار شد و این اثر در معرض دید علاقه‌مندان شعر و ادب کوردی قرار گرفت. ابتدای مراسم با سخنرانی و اشعار ماموستا "تاسۆ" شروع شد و سپس "ایوب حق بین"، با تشریح شعر کوردی و نواقص و کمبودهایی که در شعر کوردی وجود دارد؛

مراسم پرده برداری از مجموعه اشعار "گیرفانیک له ئه‌رخه‌وانی رابردووم"، با مشارکت شاعران و روشنفکران شهرهای مختلف کوردستان ایران، در تالار مجتمع فرهنگی — هنری ارشاد شهرستان مریوان برگزار شد. چهارشنبه، دهم مهرماه، با مشارکت شاعران و روشنفکران شهرهای "بانه، بوکان، مهاباد، سردشت و مریوان"، مراسمی با

هنرمند حنجره طلایی خوراسان دارفانی را وداع گفت



او یکی از هنرمندان کورد زبان شیروانی است که تنها بازمانده نسل نی‌نوازی محسوب می‌شد. مهرگان که موسیقی را با تارهای صوتی‌اش می‌نواخت و در وصف سرداران و مشاهیر کورد از جمله سردار عوض خان و سردار ججو خان و جعفر قلی زنگلانی چندین قطعه موسیقی نواخته است.

"رستم مهرگان"، نخبه هنرمند شیروانی، تنها بازمانده نسل حنجره نوازی که بیش از ۱۵۰ نوع آهنگ را با حنجره‌اش نواخته بود، برای همیشه صدایش ماندگار شد. حنجره نوازی قدمتی بیش از ۳ هزار ساله دارد. رستم مهرگان اهل روستای "قلعه بیگ" بخش سرحد شیروان بود،

هنرمند پر آوازه خوراسانی که با نوای دلنشین حنجره خود دل کوردان خوراسان را شاد می‌کرد، درگذشت. روز یکشنبه سی‌ویکم شهریورماه،

فردای

پس از پایان جنگ میان ایران و عربستان و همپیمانانشان



مختار نقشبندی

جنگ کوتاه مدت یا بلند مدت (بر نحوه و شیوه دخالت کشورهای دیگر حتی قدرت های فرامنطقه ای تاثیر می گذارد برای نمونه در جنگ ایران و عراق برخورد مستقیم میان نیروهای ایرانی و آمریکائی در اواخر جنگ و به دلیل تهدیدات ایران علیه شاهراه انرژی جهان بود، در ساختار سیاسی جهان که همه کشورها به دنبال منافع خود هستند واضح و روشن است که در صورت بروز جنگی گسترده در خاورمیانه قدرت های فرا منطقه ای از این فرصت نهایت استفاده را برای تسلط بیشتر بر منطقه و حذف دیگر رقبای خواهند کرد و چه بهانه ای بهتر و مشروع تر از اینکه یکی از طرفین جنگ مستقیم یا غیر مستقیم به منافع آنان ضربه بزند، عربستان و تمام کشورهای گروههای همپیمانانش در خاورمیانه روابط خوبی با کشورهای غربی دارند و حتی به علت تامین بخشی از انرژی چین منافع مشترک و مهمی هم با این کشور دارند و در صورت بروز جنگی تمام عیار هیچ دلیلی و نیازی ندارند که به منافع کشورهای فرامنطقه ای ضربه بزنند اما رژیم ایران که چندین دهه است راه دشمنی با غرب در پیش گرفته علی رغم رابطه با روسیه و چین در صورت بروز جنگ و نا امن کردن تنگه هرمز و مسدود کردن جریان انرژی با واکنش گسترده جهانی مواجه خواهد شد، در واقع در صورت بروز جنگ تمام عیار مسدود کردن و نا امن کردن تنگه هرمز و حمله به مراکز نفتی توسط ایران قطعی است اما واکنش جهانی نسبت به حملات ایران بستگی به میزان و شدت این حملات خواهد داشت. لازم به ذکر است که نه آمریکا و نه عربستان و همپیمانانشان دلیل و نیازی به جنگ با ایران ندارند و از راه انزوای سیاسی و فشار اقتصادی در حال کنترل و ضعیف کردن رژیم ایران هستند و تنها در صورتی با ایران وارد جنگ خواهند شد که حملاتی شبیه حمله چند روز پیش به تأسیسات

نفتی عربستان ادامه پیدا کند یا اینکه رژیم ایران به طرف ساخت سلاح هسته ای قدم بردارد اما رژیم ایران به یک جنگ کوتاه مدت و محدود نیاز دارد تا با غرب سازشی جدید انجام بدهد و بتواند در داخل همه مخالفان را سرکوب و حکومت را کاملاً یک دست بکنند اما هیچ تضمینی نیست که در صورت بروز جنگ آتش آن محدود بماند و از کنترل خارج نشود ! چند حالت را با هم بررسی می کنیم.

جنگ کوتاه مدت و محدود چند روز میان ایران و عربستان : در اثر حمله محدود از سوی یکی از طرفین همچون همین حمله اخیر به عربستان و جواب طرف مقابل می تواند جنگ شروع بشود، عربستان اگر با توجه به اسناد موجود به حمله ایران جواب مستقیم بدهد و با شلیک چند موشک هوا به زمین یک مرکز نفتی ایران را مورد حمله قرار دهد حتماً با واکنش ایران روبه رو خواهد شد و حمله مجدد عربستان و واکنش مجدد ایران به جنگ گسترده و فراگیر منجر خواهد شد پس این گزینه تقریباً روی نخواهد داد چون عربستان تمایلی ندارد به تنهایی با ایران وارد جنگ تمام عیار بشود اما غیر ممکن نیست، اگر این سناریو روی بدهد در چند روز همه همپیمانان آنان با هم وارد جنگ خواهند شد، اما فرض کنیم حمله محدود بماند، هیچ دستاورد سیاسی و اقتصادی و امنیتی برای هیچ کدام از ۲ کشور نخواهد داشت و تنها به چند مرکز اقتصادی و نظامی یکدیگر آسیب خواهند رساند.

کوتاه مدت اما تمام عیار : چنین جنگی می تواند به دو دیل رخ بدهد ، یکی از کنترل خارج شدن یک درگیری محدود بین ایران و عربستان (ادامه حالت قبلی) که بلافاصله دامان همپیمانان آنان را خواهد گرفت و یا اینکه ایران بخواهد با نقض بیشتر برجام به طرف ساخت سلاح هسته

یک جنگ تمام عیار آمریکا و اسرائیل و عربستان به مراکز هسته ای ایران حمله خواهند کرد و با واکنش شدید ایران جنگی تمام عیار رخ خواهد داد، در چنین جنگی ایران اقدام به حمله به تمام تأسیسات نفتی خاورمیانه خواهد کرد، حتی از راه گروههای تروریستی در خاک عراق مراکز نفتی آن کشور و کویت را مورد حمله قرار خواهد داد و مهم تر از همه اقدام به بستن تنگه هرمز خواهد کرد که با واکنش شدید جهانی روبه رو خواهد شد، نمی توان دقیق پیش بینی کرد که ایران چند روز می تواند با مین گزاری و حمله قایق های تندرو و موشک های ساحل به دریا و پهبادهای انتحاری مانع رفت و آمد در تنگه هرمز بشود اما احتمالاً بیشتر از ۲ هفته به طول نخواهد انجامید و در صورت پافشاری ایران به ادامه جنگ حتماً نیروهای آمریکایی و همپیمانانش نوار ساحلی ایران را تصرف خواهند کرد تا مانع شلیک راکت و موشک به طرف خلیج فارس بشوند، در این جنگ تمام عیار اسرائیل تمام توان خود را به کار خواهد بست تا نیروهای ایرانی در سوریه را بطور کامل منهدم کند و ضربات سنگینی به حزب الله لبنان و حماس وارد کند که البته با حمله موشکی و راکتی از طرف ایران و گروههای تروریستی مواجه خواهد شد و اسرائیل هم متحمل تلفات و خسارات شدیدی به بنادر و مراکز نفتی کشورهای خلیج فارس وارد خواهد شد اما در مقابل آمریکا و عربستان و دیگر همپیمانانش با بمباران های سنگین و پی در پی بیشتر زیر ساخت های اقتصادی و نظامی ایران را نابود خواهند کرد، مطمئناً روسیه و چین تمام تلاش خود را خواهند کرد که از طریق شورای امنیت طرفین را وادار به آتش بس بکنند اما اینکه جنگ چند روز ادامه پیدا کند یا چند هفته بستگی به اقدام و نظر رژیم ایران خواهد داشت چون در

جنگ تمام عیار و بلند مدت: در ادامه حالت قبلی اگر ایران بر ادامه جنگ پافشاری کند مسلماً آمریکا و همپیمانانش چاره ای جز سرنگونی رژیم یا در صورت لزوم تصرف ایران نخواهند داشت، باتوجه به قدرتهای هرکدام از طرفین در صورت ادامه جنگ و هدف قرار گرفتن مراکز سیاسی و فرماندهی و قطع ارتباط رهبران و فرماندهان رژیم سرنگونی رژیم کار زیاد دشواری نخواهد بود اما برای آمریکا و هم پیمانانش هم بدون هزینه و تلفات نخواهد بود.

فردای پس از پایان جنگ میان ایران و عربستان و همپیمانانشان هر جنگی رخ بدهد چه از نظر زمانی کوتاه یا بلند مدت باشد و چه یک جنگ محدود و یا یک جنگ تمام عیار کشورهای فرا منطقه ای تنها از نظر نظامی متحمل تلفاتی خواهند شد اما ضربه و لطمه مستقیمی به کشورهای آنان وارد نخواهد شد و تنها افزایش قیمت نفت برای چند ماه به اقتصاد کشورهای جهان (بغیر از کشورهای تولید کننده نفت) ضربه وارد خواهد کرد، اما در مقابل کشورهای خاورمیانه به خصوص ایران بشدت از نظر اقتصادی آسیب خواهند دید، مطمئناً در صورت حمله ایران به تأسیسات نفتی و زیربنای اقتصادی کشورهای خلیج فارس آنان مقابل به مثل خواهند کرد و با نیروی هوایی پیشرفته ای که دارند به مراکز اقتصادی ایران حمله خواهند کرد، یک جنگ تمام عیار به صورت مستقیم و غیر مستقیم به اقتصاد کشورهای منطقه ضربه وارد خواهد کرد، اما کشورهای حوزه خلیج فارس

مدتی پس از پایان جنگ دوباره می توانند به رشد اقتصادی و پیشرفت ادامه بدهند برای نمونه عربستان با تولید ناخالص داخلی تقریباً ۲ برابر ایران دارای چندصد میلیارد دلار ذخیره ارزی می باشد که پس از پایان جنگ (حتی یک جنگ تمام عیار) در چند ماه مراکز اقتصادی آسیب دیده را بازسازی کند و به رشد و پیشرفت ادامه بدهد اما رژیم ایران با کدام پول و ذخیره کشور را بازسازی خواهد کرد؟ مردم کشورهای حوزه خلیج فارس از نظر اقتصادی در شرایط خوبی قرار دارند و جنگ از نظر اقتصادی تاثیر زیادی بر زندگی آنان نخواهد گذاشت اما مردم ایران که برای تهیه نان شب با مشکل مواجه هستند چگونه عوارض یک جنگ تمام عیار را تحمل کنند ؟ مطمئناً شلیک راکت و موشک توسط ایران و حزب الله و حماس با واکنش سنگین و کوبنده اسرائیل مواجه خواهد شد و در مقابل کشته شدن چندصد اسرائیلی لبنان به ویرانه ای تبدیل خواهد شد که بازسازی زیربنای اقتصادی آن حتی با کمک کشورهای خارجی به سال ها زمان نیاز خواهد داشت ، البته این همه ماجرا نیست چون ایران در مجامع جهانی محکوم خواهد شد و رژیم ایران و یا پس از سرنگونی رژیم باید حکومت بعدی ایران خسارات جنگی و مالی را جبران کند، یک جنگ تمام عیار باعث بر باد رفت صدها میلیارد دلار از ثروت خاورمیانه خواهد شد،فردای پس از پایان جنگ ایران تبدیل خواهد شد به کشوری ویران با مردمی فقیر و بدهکار.

اگر اپوزسیون با احترام و قبول حقوق همه مردمان ایران با همه تفاوت های ملیتی و قومی و مذهبی و جنسی متحدانه ائتلافی تشکیل دهند قادر خواهند بود قبل از هرگونه جنگی رژیم را سرنگون کنند.

نگاهی به سریال گاندو



آگری اسماعیل نژاد

گاندو سریالی ۳۰ قسمتی است که توسط "موسسه فرهنگی و هنری اندیشه آوینی" تهیه شده است، این سریال در واقع با اسپانسری مهدی طائب، رئیس شورای قرارگاه راهبردی عمار و برادر حسین طائب، رئیس اطلاعات سپاه پاسداران برای سفیدسازی برادرش درست شده است، البته صنعت سینما و فیلم ایران در چند دهه گذشته بصورت تمام و کامل در خدمت ایدلوژی و سیاست جمهوری اسلامی بوده و دهها سریال از جمله "یوسف پیامبر"، "امام علی"، سریال نیمه تمام" امام حسین" و ... در راستای تزریق نگاه تشیع دوازده امامی به تاریخ ادیان ابراهیمی ساخته شده است و سریال و فیلم‌های مانند "گل‌ها و گولله‌های"، "عشق سالهای جنگ"، "لانه شیطان"، "چ" و ... فیلمهای هستند که در راستای تزریق اکاذیب و نگاه سیاسی_ایدولوژیکی جمهوری اسلامی به کوردستان ساخته شده‌اند.

جدا از این "صداسیما"جمهوری اسلامی به عنوان یک مرکز بزرگ برای پروپاگاندا در جامعه ایران بارها با شگردهای متفاوت از نشر اخبار، تا مناظره تلویزیونی و ساختن برنامه‌های مانند هویت در تلاش بوده است مسائل مربوط به ایران و حتی جهان را با عینک جمهوری اسلامی بازتاب و به خورد مردم ایران دهد و یا شرایط اجتماعی را برای تسویه سیاسی گروه‌های مختلف مهیاء کند.

با این مقدمه به بررسی سریال گاندو می‌پردازیم که در ماههای خرداد و تیر ۱۳۹۸ از شبکه سوم پخش شد.

گاندو و برادر بزرگ

یکی از اهداف اصلی سریال گاندو تزریق این نگاه به جامعه است که در ایران یک "برادر بزرگ" وجود دارد و از هر آنچه که مردم انجام می‌دهند، می‌خورند، می‌آشامند و حتی فکر می‌کنند مطلع است؛ این برادر بزرگ به راحتی می‌تواند هر نوع اطلاعاتی فردی، گروهی و ... بدست بیاورد و هیچ مانعی نمی‌تواند جلودار این برادر بزرگ باشد و هیچ فردی خارج از اراده این برادر بزرگ نمی‌تواند رفتاری بکند.

برادر بزرگ حتی در ترکیه ، چین و آمریکا قدرت اول است و بدون هیچ مشکلی می‌تواند به اهدافش دست یابد و از میز رئیس جمهور آمریکا تا آپارتمان امن در ترکیه برادر بزرگ به راحتی می‌تواند سدها را کنار بزند و آنچه می‌خواهد انجام دهد یا بدست آورد. اهمیت اغراق در برادر بزرگ ایرانی را باید فضای بحران‌های داخلی ایران جستجو کرد.

در شرایط کنونی که وضعیت اقتصادی ایران رو به فروپاشی کاملاً است ، دهها بحران بزرگ و کوچک گریبان جامعه ایران را گرفته است، یکی از گزینه‌های احتمالی برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی در منطقه که تحریم‌های آمریکا برآن بنیاد نهاده شده است، اعتراضات داخلی به معنی فشار

از طرف مردم به حکومت جمهوری اسلامی است.

مشخص است که جمهوری اسلامی برای جلوگیری از این اعتراضات در سطح قضایی فعالین مختلف را به احکام سنگین زندان محکوم کرده است، و همزمان ارگان‌های امنیتی نیز اباء از سرکوب بیشتر و بیشتر مردم ندارند، اما برادر بزرگ در فیلم گاندو می‌خواهد اللقاءکننده ترسی نهادینه در درون فرد به فرد جامعه ایران باشد، تا خود این ترس به عامل بازدارنده اعتراضات احتمالی تبدیل شود.

در واقع یکی از اهداف‌های گاندو نهادینه کردن ترس از سازمان اطلاعات سپاه در جامعه است ، چون ترس نهادینه شده بی‌گمان بازدارنده قوی برای شکل‌گیری اعتراضات مردمی در ایران است. گاندو و جریان آزاد اطلاعات در بطن سریال گاندو دو برخورد کاملاً متفاوت با "اطلاعات" به مفهوم معلومات، دانستنی‌های و اخبار شده است.

از یک طرف در اتاق عبدی، مسئولی که ظاهراً مسئول بخش ضدجاسوسی اطلاعات سپاه است، چهار دستگاه تلویزیون وجود دارد که بر روی شبکه‌های مانند بی‌بی‌سی انگلیسی، بی‌بی‌سی فارسی ، سی‌ان ان و ... تنظیم شده‌اند و از طرف دیگر جرم اصلی "مایکل هاشمیان"، فردی که جاسوس ارشد آمریکا خوانده می‌شود، جمع‌آوری اطلاعات مثلاً در مورد خرید اجناسی مربوط به صنعت فولاد از مالزی است.

این بخش را باید در کانتکست فوبیا حکومت توتالیتیر از گردش اطلاعات بررسی کرد، در واقع جمهوری اسلامی در تمامی چهار دهه گذشته تلاش کرده است، جامعه ایران را در سانسور و بی‌خبری نگهدار و همزمان خودش تلاش کرده است گردش آزاد اطلاعات را به عنوان منفذی برای کسب منافع خود بکار بگیرد، و مهم‌ترین نمونه آن ایجاد دهها کانال تلویزیونی به زبان‌های انگلیسی ، عربی ، کوردی ، آذری ، تورکی ، ...در مجموعه صدا و سیما ی ایران است، این در حالی است که بعضی از این زبان‌های مانند کوردی و آذری در ایران به نوعی زبان ممنوعه هستند، اما همان زبان‌ها در رسانه‌های جمهوری اسلامی برای نشر افکار این رژیم

بکار گرفته می‌شوند.

در زمینه شبکه‌های اجتماعی هم گاندو حاوی نکات ارزنده‌ای است، آنچه در گاندو در مورد شبکه‌های اجتماعی نشان داده می‌شود تایید کننده آن است که سازمان‌های امنیتی جمهوری اسلامی از رصد کنندگان اصلی صفحه‌های شبکه‌های اجتماعی مردم ایران هستند، مردمی که می‌توانند یک فرد عادی هم باشد، اما صفحه‌ای وی توسط سازمان امنیتی جمهوری اسلامی بررسی می‌شود؛ چون سازمان امنیتی جمهوری اسلامی همه مردم را خائنین می‌پندارد ، مگر آنکه خلاف آن برایش ثابت شده باشد.

گاندو و جامعه اسلامی

خامن‌ای در چند سال گذشته بارها اعلام کرده است که وی خواهان ایجاد حکومت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است، اینکه فرد در جامعه اسلامی باید چگونه باشد؟! در گاندو به وضوح نشان داده شده است، در جامعه اسلامی گاندو افراد به سه دسته تقسیم می‌شوند: **الف:** اداره کنندگان جامعه که نماد آن"محمد" بازیگر اصلی گاندو است که وی فردی همه فن حریف است، مسلط بر چند زبان است و علی‌رغم اینکه روزانه از طریق رسانه با جامعه غربی در ارتباط است و از محصولات مانند "مک‌بوک" استفاده می‌کند، اما بشدت غرب‌گریز است و در خانه‌ای با معماری سنتی زندگی می‌کند، این فرد از قدرت زیادی برخوردار است که می‌تواند یک هواپیما را به زمین بنشانند، اما خودش در زندگی شخصی هشتش جلوی نوش است، در خانه پدری زندگی می‌کند و بخاطر مسائل مالی نمی‌تواند نامزدیش را تکمیل کند و با یک موتور سیکلت رفت و آمد می‌کند و دست آخر چنان در خدمت سیستم است که حتی حضور نامزد جوان و خوشگلش را در کنار خود به راحتی فراموش می‌کند.

ب: مردم، این دسته بیشینه را تشکیل می‌دهند و کسانی هستند که سرشان را پایین انداختن و تنها آروزیشان این است مشکلات فردیشان حل شود که نماد این مردم سرایدارهای موجود در فیلم خصوصاً سرایدار خانه "گلی"

است، زنی که بخاطر سرنوشت بچه معلولش، ناچار می‌شود به ولی نعمت خود خیانت کند، این موضوع را در پرسپکتیو همان دیدگاه می‌تواند تحلیل کرد که خمینی از مردم خواست برای "حفظ اسلام" جاسوسی خانواده و همسایه خود را بکنند و چه افرادی‌های هم در این تور جاسوسی خائیین شناخته شده و راپورتشون دادند و به سرنوشت‌های نامعلوم دچار شدند.

ج: جامعه اسلامی افراد شیفته غرب را هم دارد، آنها افرادی البته اقلیت و مرفه هستند که هر هفته مهمانی پرهزینه می‌دهند، و برای تامین این هزینه فقط لازم است پول از کارتی به کارت دیگر جابجا شود.

آنها کسانی هستند که بجای "چای دم کشیده" قهوه می‌خورند، و در خانه‌های با معماری غربی یا آپارتمان‌های مدرن زندگی می‌کنند و با ماشین‌های گران قیمت تولید خارج از ایران رفت وآمد می‌کنند، این افراد بدون استثناء خائیین به کشور و سرزمین خود هستند و انسان‌های زلو صفت ، هوس‌باز و جاسوس هستند. در این زمینه گاندو می‌خواهد راه‌های رسیدن به بهشت را به مردم یاد بدهد.

گاندو و اختلافات درون رژیمی

در زمینه اختلافات درون رژیمی که در سریال گاندو به کرات نشان داده می‌شود، مقالات و نوشته‌های فراوانی در رسانه‌های فارسی منتشر شد و بسیار خواستند بگویند که گاندو بیشتر در راستای یک جناح‌بازی‌های جمهوری اسلامی ساخته شده است و می‌خواهد دولت دوم حسن روحانی را به چالش بکشاند، اما واقعیت فراتر از این مسئله بود.

اتفاقاً گاندو در این مورد در تلاش بود، به بیننده اللقاء کنند که اصلاح‌طلبی و اصولگرایی یک ماجرای مشترک بین این دو جریان یا یک سازش زیر میزی نیست و معترضین سال ۹۶، این شعار که "اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه توممه ماجرا" را به اشتباه گفته‌اند. گاندو بسیار واضح و از طریق گریم تلاش کرده بود به بیننده اللقاء کنند که جواد ظریف یک فرد غریگرا و غافل از سیاست‌های غرب است، این در

حالی است که اتفاقاً نقطه قدرت محمد جواد ظریف، وزیر خارجه کنونی جمهوری اسلامی در شناخت او از جامعه غرب است و همین نقطه قدرت او را به پست وزارت خارجه رسانده است.

در واقع دلیل پر رنگ بودن دعوا جناحی در سریال گاندو اللقاء دو جناحی و غریگرا بود اصلاح‌طلب‌ها به جامعه ایران بود، موضوعی که بعد از ۹۶ در طرف جامعه ایران بشدت زیر سوال رفته است. مسئله اصلاح‌طلبی و اصولگرای و انتخابات فرمایشی موجود در ساختار رژیم یکی از پایه‌های اساسی اداره جامعه ایران توسط ساختار توتالیتیر جمهوری اسلامی است و احیاء مجدد آن در شرایط کنونی سیاست استراتژیک امنیت داخلی جمهوری اسلامی است.

البته گاندو تلاش کرده است، سولاتی مانند دستگیری دو تابعیت‌های، فساد ساختاری موجود در رژیم، مسئله آقا‌زاده و حتی نفوذ سازمان‌های جاسوسی در ساختار ایران را نیز جواب دهد و در واقع بعد از برادر بزرگ، مهمترین موضوعات که تم اصلی گاندو را تشکیل داده‌اند، مسئله پررنگ کردن اختلافان درون رژیم،، چرای فساد ساختاری و بحران آقا‌زاده‌ای است.

در گاندو موضوع رقابت ارگان‌های امنیتی جمهوری اسلامی هم مطرح است، حداقل در دو جا گاندو که نمایندگی اطلاعات سپاه را می‌کند به وزارت اطلاعات حمله می‌کند، در یک جا هنگامی است که فایل‌های از وزارت اطلاعات در مورد پرونده مورد بررسی به آنها داده می‌شود و در برابر آن ادعا می‌کنند که این فایل‌های چیز تازه‌ی نیستند و در جای دیگر عبدی که باید رئیس بخش ضدجاسوسی اطلاعات سپاه باشد با وزیر اطلاعات نشست دارد، امری که در عرف اداری هیچ کشوری امکان ندارد. البته مسئله رقابت بین وزارت اطلاعات و معاونت اطلاعات راهبردی سپاه یک امر نمایشانی است، اما در سال ۹۸ که بودجه وزارت اطلاعات افزایش چشم‌گیر به خود دیده است گمان آن می‌رود این رقابت تشدید شده باشد.

گاندو و گاف‌هایش

علی‌رغم اینکه تلاش شده است،

سریالی عامه پسند و خالی از اشتباه تهیه شود، اما گاندو دارای اشتباهات بسیار فاحشی است، مثلاً بارها در سریال ادعا می‌شود که "سفارت آمریکا در دوی" علیه ایران برنامه‌ریزی توطئه‌آمیز می‌کند، این در حالی است که سفارت آمریکا در ابوظبی قرار دارد و آنچه در دوی است در واقع کنسولگری آمریکا است.

در جای دیگر بازیگر اصلی که در واقع چشم بینا حکومت اسلامی است، بسیار حق به جانب ادعا می‌کند که بعد از ابومصعب زرقاوی، ابوبکر بغدادی آن هم با تلاش بسیار آمریکای‌های به عنوان مسئول داعش انتخاب شده است؛ این در حالی است، واقعیت این است که اولاً : بعد از کشته شدن زرقاوی در ۲۰۰۶ ، کسی که مسئولیت گروه او را بر عهده گرفت عمر البغدادی بود و ابوبکر بغدادی یا ابراهیم سامرائی در واقع در آن مقطع در زندان آمریکا در عراق بود و او در ۲۰۱۰ بعنوان رهبر دولت اسلامی عراق انتخاب شد.

دوما: سازمانی که اکنون داعش خوانده میشود، در واقع در دوران عمر البغدادی و ابومصعب اسم آن دولت اسلامی عراق یا داع بود. مهم‌ترین گاف گاندو این است که ادعا می‌کند برخی از توطئه‌های منطقه توسط سازمان‌های امنیتی جمهوری اسلامی طراحی می‌شوند تا بدین صورت کشورهای دیگر را از جمله سعودی را به چالش بکشاند.

و از گاف‌های دیگر گاندو این است که مایکل هاشمیان را جاسوسی بسیار کارکشته می‌خواند، اما این جاسوس کارکشته که به چندین زبان مسلط است و حتی حکم سفیر شدن او پس از جمهوری اسلامی نیز از طرف رئیس جمهور آمریکا زده شده است: اولاً از هیچ پوشش امنیتی برخوردار نیست ، و دوما: یک خنگ است که حتی سربازان گنهام امام زمان در ترکیه به راحتی می‌توانند وارد خانه امن او بشوند.

شاید خنده‌آورترین گاف گاندو مسئله قرارداهای کاری شبکه جاسوسی باشد، در بطن فیلم شبکه جاسوسی دهها خانه سفید را در اختیار دارد و به راحتی توانسته است به سیستم اطلاعاتی آنها نفوذ کندو مثل آب خوردن می‌تواند یک زندان امنیتی را بدزد، آنها معمولاً با هم مهمانی بسیار مفصل دارند، اما قرارداهای کاریشان در یک کتابفروشی برگزار می‌شود.

هر چند شاید در اینجا نویسنده تلاش کرده است؛ اللقاء کنند که کتابفروشی یک جء امن نیست و معمولاً جاسوس‌ها به آنجا مراجعه می‌کنند.

در پایان باید گفت که گاندو یک سریالی است که در راستای جنگ نرم جمهوری اسلامی علیه مردم ایران ساخته شده است و هدف آن کنترل بیشتر جامعه ایران و جواب به موضوعاتی است که در رسانه‌های خارج از ایران طرح می‌شود و دلیل ساخت آن هم هراس از اعتراض احتمالی مردم است.

دموکراسیخواهی به سبک ایرانی نگاهی به تشکیل «شورای مدیریت گذار»



کیهان یوسفی

طی روزهای گذشته یعنی بیست و هشتم و بیست نهم ماه سپتامبر درامپریال کالج شهر لندن، تشکیل دیگری به جمع دیگر تشکلهای مخالف رژیم جمهوری اسلامی اضافه شد تا گره کور اپوزیسیون سراسری از این که هست، بدتر شود.

این تشکل که بنیانگذارانش آنرا "شورای مدیریت گذار" نام نهاده‌اند گویا قرار است در وسعتی حداکثری نیروهای دمکراسیخواه ایرانی را متحد کرده و در تلاش برای سازماندهی و ایجاد زمینه برای شکل‌گیری ائتلاف وسیع نیروهای سیاسی خواهان دمکراسی در ایران با هدف تشکیل یک کنگره ملی است.

دمکراسی، عدم تبعیض، پذیرش اعلامیه و کنوانسیونهای حقوق بشر، عدم تمرکز قدرت، حقوق برابر برای شهروندان، حقوق کامل جنسیتی، رفع تبعیض اقتصادی و...وهر کلمه زیبا و عامه پسندی که در فرهنگ لغت سیاسی یافت می‌شود را می‌توان در اسناد سه

گانه این تشکل یافت. آنچه که این تشکل به هیچ وجه به آن نپرداخته و آن را به فردای بعد از سقوط رژیم موکول کرده است ساختار سیاسی آینده ایران و مهم تر از هر مسئله‌ای، مسئله ملی و حقوق تضییع شده ملت‌های تحت ستم در ایران است. اشاره به کلیاتی همچون دمکراسی، کنوانسیونهای حقوق بشر و تدریس زبان مادری و... نمی تواند نقشه راهی شفاف برای تشکیل یک ائتلاف سراسری و جذب نیروهای آزادیخواه ملت‌های تحت ستم درایران باشد. برای هر آزادیخواهی، بدون شک مبارزه برای برون رفت از استبداد معنایش رفتن به سمت ناکجا آباد نیست و سرنگونی یک رژیم یا ساختاری ایدئولوژیک به تنهایی خود نمی تواند یک هدف باشد. این اشتباه تراژدیک در انقلاب سال ۱۳۵۷ یک بار آزموده شده است و بهای آن برای ملت کورد، قتل عام، زندان و بمباران و ویرانی بود.

آنچه که اهمیت دارد و آنچه که می تواند بنیان یک تشکل جدی با پتانسیلی قوی برای گردآوری تمامی نیروهای آزادیخواه ایرانی زیر یک چتر را تشکیل دهد،

گذار از جمهوری اسلامی یا هر رژیم دیگری نیست، بلکه گذار از اندیشه تمامیت خواهی، استبداد و شکست خط قرمزهایی است که برای بیش از صد سال نیروهای مطالبه محور ملت‌های تحت ستم در ایران را هیولایی برای تکه تکه کردن خاک ایران به افکار عمومی معرفی کرده است. دمکراسی به عنوان یک سیستم و یک تفکر دارای ارزشی بنیادین و قابل احترام است و درهمانحال واژه یی عوامفریبانه نیز هست. رژیم‌های دیکتاتور و توتالیتار نیز خود را دمکراتیک ترین کشورهای جهان معرفی می کنند و آنچه می تواند دمکراسی را به عنوان یک سیستم، ساختار و ایده برای اداره یک جامعه ارزشمند و قابل احترام جلوه دهد، پرداختن به جزئیات آن برای شفافیت سازی در چگونگی اجرایی کردن آن است. اصلی که شورای مدیریت گذار از آن طفره می رود و به کلیاتی ظریف و زیبا بسنده کرده و مابقی را به بعدا موکول کرده است.

از الزامات عضویت در شورای مدیریت گذار بنابه اسناد سه گانه منتشر شده توسط این تشکل، دفاع

از استقلال و یکپارچگی کشور دربرابر هرگونه تجاوز خارجی و ... و به عبارت دیگری حفظ تمامیت ارضی است. سنوالی که در اینجا باید مطرح شود این است که چه کسانی باید از این تمامیت ارضی دفاع کنند؟ اگر این وظیفه همگان است، پس چرا به چگونگی تحقق حقوق این همگان پرداخته نشده است؟ این تشکل، وظایف همه را تعیین کرده و ولی سؤال این است که چرا چگونگی تحقق حقوق آنها را به فردای تصاحب قدرت واگذار کرده است؟

تشکیل مجلس موسسان برای تدوین قانون اساسی و تعیین ساختار حکومت آینده و... امری دمکراتیک و مهم است، ولی مگر خمینی نیز این وعده را نداد و مجلس موسسان را تشکیل نداد؟ چهار دهه از آن روزها گذشته است ولی در اندیشه تمامیت خواهی ایرانی و نیروهای مرکزگرا گویا هیچ تغییری رخ نداده است؟ هنوز هم تأمین حقوق خلق‌های ایران شبحی است که کاخ رؤیاهای خیلی ها را می لرزاند و نام بردن از حقوق مشروع ملت‌های تحت ستم در ایران و تبیین یک ساختار صحیح برای تمرکززدایی قدرت و

تضمین حقوقی برابر برای تمامی مردمان ساکن ایران غیرقابل تصور و از محالات است. انجماد فکری شکل یافته از استبداد ایرانی هنوز بر اندیشه این بزرگان سایه افکنده است و ژست دمکراتیک گرفتن و متعهد به حقوق بشر بودن تنها در سخنرانی و انتشار بیانییه و تشکیل تشکل و جبهه و ... نمی تواند جای اعتمادی داشته باشد؟

باید از این قیمان ملت‌های ایران پرسید که تکلیفشان را با خود و با دیگران نیز روشن کنند و آن این است که آنها در حقیقت دغدغه دمکراسی و حقوق بشر دارند یا دغدغه تمامیت ارضی و حفظ یکپارچگی ملی ایران؟ اولویت برای آنها کدام است؟ آیا اینان نیز همانند دیگر مدعیان چپ و دموکراسیخواه ایرانی برای جلوگیری از تجزیه خاک میهن، توهمی که صد سال است با آن جنبش دمکراسیخواه ملت‌های ایران و به ویژه کوردستان را سرکوب و کشتار می کنند، در سنگر پاسداران و پان ایرانیست و ... هستند یا دمکراسی و حقوق بشر برای آنان در اولویت است؟ تشکیل یک ائتلاف سراسری برای

گذار از جمهوری اسلامی نقشه راهی است که نیاز به اعتماد سازی دارد؟ بر چه مبنایی جریانها و احزاب وابسته به ملت‌های تحت ستم در ایران باید به این شورا اعتماد کرده و همراه شوند؟ برپایه کدامین ساختارسیاسی پیشنهادی؟ چه تضمینی وجود دارد که مجلس موسسانی که این شورا از آن سخن می گوید همان نشود که بعد از انقلاب ۵۷ شد؟ آنچه می تواند فردای ایران را نور امیدی بدهد و چنین شورایی را به شورایی جدی و تاثیرگذار تبدیل کند، گذار از اندیشه بیمار استبداد ایرانی و تمامیت خواهی ایرانی است نه جمهوری اسلامی. برای برون رفت از این باتلاقی که اپوزیسیون سراسری در آن گیر کرده و برای تشکیل یک کنگره ملی ردیف کردن این همه الفاظ و کلمات زیبا و کلیات عامه پسند کافی نیست. راه حل خیلی ساده اما برای شونیسم دردناک است و آنهم اعتراف به تکرر ملی در ایران و تعریف یک ساختار صحیح برای تعریف چگونگی تحقق حقوق مردمان ایران قبل از تعریف وظایف آنان است.

کارگران کردستانی به اقلیم کردستان روی آورده‌اند



به موقع دستمزد و نبود امنیت کاری در ایران، به کارگری در کردستان عراق مبادرت ورزیده‌اند. کارگران از پاسپورت یک ماهه اقامت در کردستان عراق استفاده می‌کنند و در این اقلیم مشغول بکار می‌شوند.

میزان درآمد کارگران در اقلیم کردستان حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار دینار در روز است که تقریباً دو برابر حقوق روزانه کارگران در ایران است.

کارگروه پیدا کرده تا مشکلات نامبرده را حل نماییم." نامبرده همچنین افزود: " ۸۰ درصد از کارگان صنفی و استادکاران استان سنندج، به کارگری در اقلیم کردستان روی آورده‌اند." کارگران کردستانی در کردستان عراق ساماندهی نشده‌اند و تنها برای کسب درآمد بیشتر و تامین مایحتاج زندگی خویش مجبور به کار در کردستان عراق شده‌اند.

کارگران کردستانی بدلیل افزایش بیمه کارگری، پرداخت نشدن

۸۰ درصد استادکاران سنندجی به دلیل کمبود درآمد، در کردستان عراق مشغول بکار شده‌اند. کارگران و استادکاران سنندجی بدلیل کمبود درآمد و نبود امنیت شغلی در کردستان عراق مشغول بکار شده‌اند. "میکائیل صدیقی"، در نشست تشکلات صنفی استادکاران و کارگران ساختمانی در سنندج اعلام کرد: "اگر خانواده کارگری برای ایجاد اشتغال درخواست وام کند، باید نماینده‌ای از انجمن در

دست بردن به جیب مردم



خاند درویش‌زده

از مشکلات عدیده کنونی خواهد شد، ابتدا به ساکن باتوجه به سهم اندک تامین مالی بودجه از محل درآمدهای مالیاتی در مقایسه با سایر بخش‌های درآمدی دولت منجمه درآمد حاصل از فروش نفت و گاز و صنایع پتروشیمی وابسته به آن کاملاً می‌برهن است که چنین روشی نه تنها دولت را در تامین مایحتاج خود همراهی نمی‌کند بلکه باتوجه به ماهیت وساختار اقتصادی ایران و وجود مشکلات فراوانی که ریشه در مبانی ایدئولوژیک رژیم دارند خود عاملی جهت بحرانی شدن بیشتر وضعیت موجود خواهند شد. در تمامی کشورهای دموکراتیک و امروزی که اقتصاد توانسته خود را از قید و بند نگرشهای منجمد برهاند و کمترین دخالت‌های بی مورد را برشانه خود لمس کند، مالیات بر درآمد جدای از تامین مالی حکومت که به نوبه خود منبعی جهت خدمت به مردم در راستای انجام پروژه های عمومی جهت تامین رفاه و امنیت احاد مردم نگریسته می‌شود، یکی از مکانیزم‌های موثر در جهت توزیع عادلانه ثروت به حساب می‌آید. که دولتها با بستن ظریب مالیات صعودی در راه رسیدن به مجموعه ای پارامتر که کلا در جهت خدمت به آنها از تراکم ثروت در دست عده ای محدود از جامعه جلوگیری می‌کنند. در چنین

در حاکمیت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی که توجه و پاسخ در خور به مطالبات مردم محلی از اعراب ندارد و تنها هم و غم حاکمان غارت ثروت و سامان مملکت و پر کردن جیبشان میباشد، دست بردن به جیب مردم جهت تامین مخارج دولت، مال اندوزی شخصی و تامین مالی گروه‌های تروریستی کما فی السابق نه تنها قابل پیش بینی و امری عادیست بلکه یکی از سیاست‌های بنیادی رژیم بوده و خواهد بود. حاکمیتی که در طول چهل سال از صدارت قرون وسطایش هنوز نتوانسته وابستگی مالیش را به صنعت نفت و گاز که هر از چند گاهی در اثر تلاطمات قیمت جهانی قیمت ثابتی بر آن متصور شد، کاهش دهد و با جایگزین کردن و توسعه زیرساختهای اقتصادی، اقتصادش را در برابر شوکهای بازار بیمه کند.

در تازه ترین اظهار نظر مقامات حکومتی و این بار از طرف سخنگوی دولت از طرحی سخن به میان آمد که افزایش مالیات بر درآمد به عنوان بخشی کلیدی از درآمدهای دولت در تامین بودجه سال آتی لحاظ خواهد شد. جدای از اینکه چنین نگرشی که در ادامه به تشریح آن خواهیم پرداخت تا چه اندازه راهکاری جهت برون رفت

تولید ماشین در ایران ۵۰ درصد کاهش یافت

تولید خودرو در ایران در مرداد ماه امسال، به نسبت سال قبل ۵۰ درصد کاهش یافته است، این در حالی است که وزیر اقتصاد رژیم ایران چند مرتبه قول بهبود وضعیت را داده بود. براساس گزارشات منتشر شده، تولید خودرو در ایران در مرداد ماه امسال، ۴۷ هزار و ۳۱۷ ماشین بار بوده که در قیاس با سال قبل، ۴۷۰۱ درصد نزول کرده است و تولید خودرو سواری نزدیک به ۴۳ هزار و ۷۵۸ ماشین بوده که آن نیز در قیاس با سال قبل، بطور ملموسی کاهش داشته است.

در ارتباط با وضعیت تولید انواع خودرو در ایران، در پنج ماه ابتدایی امسال، در قیاس با پنج ماه ابتدایی سال قبل، ۳۹۰۸ درصد کاهش داشته است.

درخواست پول اجباری از دانش‌آموزان در کردستان

در مدارس منطقه "بهارستان" سقز پخش شده‌اند، آماری نسبت به دانش‌آموزان بی‌سرپرست و خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد نوشته شده که وظیفه خدمت رسانی به آنها بر عهده کمیته امداد است، ولی رژیم از والدین دانش‌آموزان برای کمک به این خانواده‌ها استفاده می‌کند. براساس بند ۳۱ و ۳۲ قانون اساسی رژیم، تحصیل کودکان تا ورود به دانشگاه بر عهده رژیم است و همه هزینه‌های جاری دانش‌آموزان را رژیم متحمل می‌شود؛ ولی در عین حال به شیوه‌های گوناگون از دانش‌آموزان تقاضای کمک‌های مالی می‌شود.



و فقیر، با ارسال پاکت نامه‌هایی از والدین دانش‌آموزان درخواست کمک مالی کرده است. این پاکت نامه‌ها مربوط به "کمیته امداد خمینی" می‌باشد که در بین دانش‌آموزان پخش شده است. در این نامه‌ها که با عنوان، "با رنگ مهر رویایی بسازیم،

بعد از گذشت ۱۰ روز از بازگشایی مدارس، رژیم با ارسال پاکت نامه‌هایی از والدین دانش‌آموزان درخواست کمک مالی کرده است. رژیم در مدارس شهرستان "سقز" بعد از گذشت ۱۰ روز از بازگشایی مدارس، به بهانه کمک به دانش‌آموزان بی‌سرپرست



مواردی از نقض حقوق بشر در کوردستان بر اساس گزارش‌های آژانس خبرسانی کوردپا



۲۷ خودکشی و ۶ مورد قتل زنان در کردستان ایران در فصل تابستان ۱۳۹۸

آژانس خبرسانی کوردپا در ادامه ارائه گزارشات آماری، در یک گزارش آماری _ تحلیلی به موارد خودکشی و کشته شدن زنان در کردستان ایران در سه ماهه دوم سال ۱۳۸۹ پرداخته است.

آمار این گزارش با استناد به منابع موثق رسانه‌ای جمع‌آوری شده و چه بسا آمار واقعی می‌تواند از این بیشتر باشد.

طبق این گزارش در سه ماهه اول سال ۱۳۹۸، مجموع ۲۷ خودکشی و ۶ مورد کشته‌شدن زنان در کردستان ایران اتفاق افتاده است.

آمار خودکشی زنان در فصل تابستان ۱۳۹۸:

خودکشی در کردستان ایران به عنوان استان‌های محروم و در حاشیه همیشه در صدر جدول بوده است و حتی اطلاع رسانی و ثبت آمار واقعی خودکشی نیز در این استانها وجود ندارد و گزارش نمی‌شود.

خودکشی در ایران تا به مناطق عقب افتاده و محروم می‌رسد ارقامش بالا و بالاتر می‌رود. فقر و نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی مهمترین عوامل مشکلات خانوادگی و باز تولید خشونت هستند، حتی خشونت علیه خود (خودکشی)، زنان کرد آماری بالایی را از این خشونت به خود اختصاص داده‌اند.

در اینجا به آماری از خشونت زنان کردستان علیه خودشان (خودکشی) در فصل تابستان ۱۳۹۸ می‌پردازیم:

در این مدت ۳۷ زن کورد خودکشی کرده‌اند که خودکش ۲ نفر از آنان ناموفق بوده است.

۹نفر از این زنان زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند، حتی سن یکی از این دختران ۱۲ ساله بوده است. همچنین ۴ تن سن ۱۸ سال داشته‌اند.

۱۷ تن از این زنان متاهل، ۱۸ تن مجرد و یک زن بوده‌اند.

روش‌های خودکشی زنانی که مشخص بوده است:

حلق‌آویز: ۲۰

خودسوزی: ۵

خوردن قرص: ۷

خودکشی با اسلحه: ۲

خود را از بلندی پرت کردن: ۱

علل خودکشی زنانی که مشخص بوده است:

اختلالات خانوادگی: ۲۰

فقر: ۱

ممانعت از ازدواج: ۱

تحمیل حجاب و اعتراض به نحوه

پوشش: ۲

نامیدی از آینده و عدم توانایی در تغییر وضعیت زندگی با بسترهای فروپاشی اجتماعی و اقتصادی

شهرستان ثلاثیاباجانی از توابع استان کرمانشان در اوایل تیرماه به همراه ۸ تن دیگر از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل و بعد از بازداشت از سرنوشت وی اطلاعی در دسترس نبوده است.نیروهای اطلاعاتی نامبرده را به اتهام همکاری با یکی از احزاب کورد اپوزیسیون حکومت ایران بازداشت کرده‌اند.

مادر بهمن قبادی، کارگردان و فیلمساز سرشناس کورد نیز در اواخر شهریورماه در فرودگاه بین‌المللی خمینی تهران بازداشت شد.بهمن قبادی، کارگردان سرشناس کورد از بازداشت مادرش در فرودگاه بین‌المللی خمینی تهران خبر داد.وی در این‌باره در صفحه اینستاگرام خود نوشته است: "با خبر شدم که مادر پیر من در فرودگاه بین المللی امام خمینی توسط نیرو های امنیتی بازداشت شده است ."قبادی همچنین در استاتوسی دیگر نوشته است: "شرم بر شماها (حکومت ایران) که اجازه خروج مادر خسته و رنجورم را ندادید تا بعد از مدتها ملاقاتشون کنم. شماها خیلی از انسانیت و وجدان بلور هستید. چنین حکومت فاسد، ترسو و دروغگو راهی جز نابودی ندارد. شرم بر همیتان باد."

و زنان فرع محسوب می‌شوند. در جامعه مرد سالار، زنان، دیگری مردان‌اند. این مردان هستند که فرد تلقی شده و زنان، وابستگان و متعلقات آنها به حساب می‌آیند. یکی از نمودهای این مورد، این است که زنان، ناموس مردان تلقی می‌شوند.

۱۴ مورد نقض حقوق زنان در کردستان ایران در سه ماهه دوم سال ۱۳۹۸

آژانس خبرسانی کوردپا در یک گزارش تحلیلی _ آماری، آماری از نقض حقوق زنان کورد در سه ماهه دوم سال ۱۳۹۸ در کردستان ایران را ارائه می‌دهد.

در این گزارش به ۱۴ مورد نقض حقوق زنان کورد در ایران اشاره شده است که مواردی از جمله بازداشت، اعدام، محکومیت به زندان، وضعیت زندانیان سیاسی زن و مرگ برادر سهل‌انگاری پزشکی را شامل می‌شود.

با توجه به نبود هیچ آماری دقیقی از وضعیت زنان در ایران و علی‌خصوص وجود فضای امنیتی در کردستان ایران این آمار بسیار بالاتر از این می‌باشد و این گزارش تنها به مجموع مواردی از نقض حقوق زنان کورد اشاره دارد که رسانه‌ای شده‌اند.

موارد نقض حقوق زنان کورد در کردستان ایران در سه ماهه دوم سال ۱۳۹۸

در این مدت ۴ زن کورد بازداشت شده‌اند، از جمله ۱ فعال محیط زیست.

اعم اتهام وارده به این بازداشت‌شدگان "امنیتی" و همکاری با احزاب اپوزیسیون کرد بوده است.

تمامی این چهار زن از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و مدتها بعد از بازداشت سرنوشت آنها نامعلوم بوده است و منزل "پروین ادوایی" به هنگام بازداشت مورد یورش و تفتیش قرار گرفته است.

از جمله این زنان بازداشت شده "پروین ادوایی" است که پنجم مردادماه، نیروهای اطلاعاتی به منزل شخصی این فعال مدنی کورد یورش برده و وی را بازداشت کردند.نیروهای اطلاعاتی اطلاعاتی پس از تفتیش منزل شخصی این فعال مدنی، وی را به مکان نامعلومی منتقل کردند.این فعال مدنی کورد طی چند سال اخیر در حوزه حقوق زنان و کودکان و محیط زیست در دنیا شالی نیز، یک دختر جوان اهل شهرستان پیرانشهر نیز در این مدت از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه منتقل گردیده است.پیگیری‌های خانواده این دختر ۲۰ساله تا مدتها جهت اطلاع از سرنوشت وی بی‌نتیجه بوده و نیروهای اطلاعاتی اجازه ملاقات را به خانواده وی نداده‌اند.

همچنین، نازار جمشیدی، اهل

شدت جراحات و بالا بودن درصد سوختگی جانش را از دست داد. شیبای از کردهای ارومیه بوده که به همراه یک پسر جوان اهل میاندوآب با هویت "امیر اوجعلی" از منزل پدریش فرار و به منزل آنها رفته تا با وی ازدواج کند. پدر و مادر پسر جوان که با این ازدواج مخالف بوده‌اند، از همان ابتدا شروع به آزار و اذیت شیبای نموده و چندین بار وی را کتک کاری و حتی سرش را شکسته‌اند و شکایت شیوا به پاسگاه محله نیز راهی به جای نبرده است. پدر و مادر همسر شیبای که آذری و اهل میاندوآب می‌باشد، چندی پیش وی را مورد ضرب و شتم قرار داده و با ریختن بنزین بر روی بدن شیوا اقدام به آتش زدن ایشان کرده‌اند .این خانواده خواسته‌اند که وانمود کنند که شیبای خودسوزی کرده اما با داد و فریاد شیبای و فرار به داخل کوچه پس از آتش گرفتن همسایه‌ها را خبر کرده است.

۴ شهریور۱۳۹۸، یک زن ۵۳ ساله اهل سنجند با هویت "سحر رستمی" در محله شهرک بهارستان در پارکینگ منزل خود به قتل رسیده و قاتلین جسد وی را در داخل سد قشلاق انداخته‌اند. این قتل توسط افراد نزدیک وی انجام شده و انگیزه قتل دزدیدن طلاهای ایشان بوده است.

۲۴ مرداد ۱۳۹۸، یک زن جوان اهل یکی از روستاهای دالاهو از توابع کرمانشاه پس از درگیری با اعضای خانواده توسط برادرش که متواری شده بود، به قتل رسید . برادر این زن جوان با انگیزه اختلافات خانوادگی، خواهرش را با روسری خفه کرده بود.

کارشناسان پنهان نگه داشتن خشونت‌های خانوادگی، وضع قوانینی که خشونت را نهادینه و بازتولید می‌کنند و همچنین بحران‌ها و آسیب‌هایی که جامعه ایران را دربرگرفته است را از موارد تشدید خشونت و افزایش خشونت ساختاری در ایران می‌دانند.

براساس ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، هرگاه مردی زنش را با مرد دیگری در بستر ببیند و علم به عدم مخالفت زن داشته باشد، می‌تواند هرودی آنها را بکشد.

ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی نیز تصریح کرده که پدر و جد پدری به خاطر کشتن فرزند قصاص نمی‌شوند.

این دو ماده قانونی راه را برای قتل‌های ناموسی که اکثرا توسط اعضای خانواده صورت می‌گیرند، باز گذاشته است. البته در کنار قانون، سنت و عرف نیز مجازات قاتلان ناموسی را دشوار کرده است.

همچنین پذیرش اجتماعی قتل ناموسی در مناطقی که با این معضل روبرو هستند، از جمله مشکلات برخورد موثر با این مشکل اجتماعی است.

ناموس چیست؟

در جامعه مردسالار، مردان اصل

در خانواده و جامعه شده است. نمود بارز سیاست‌های حکومت اسلامی ایران در جهت عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی مناطق کوردنشین ایران نقش مستقیمی در افزایش خشونت داشته است زیرا به باور کارشناسان اجتماعی مشکلات اقتصادی مربوط به شغل و درآمد از مهمترین عوامل تاثیرگذار در روابط خشونت آمیز خانواده و افزایش خشونت نسبت به زنان و دختران می‌باشد.

در اینجا به آماری از کشته شدن زنان درفصل تابستان سال ۱۳۹۸ در کردستان ایران می‌پردازیم: البته این آمار فقط مواردی را شامل می‌شود که رسانه‌ای شده‌اند، چرا که بسیاری از این موارد به دلیل مسائل سنتی و ناموسی به بیرون درز نمی‌کند و همچنین قوانین در ایران خود خشونت خانودگی و کشتن زنان را توجیه و تشجیع می‌کند.

در این مدت ۷ زن کورد کشته شده‌اند.

عاملین قتل این زنان:

از ۷ مورد ، کشته‌شدن ۵ نفر از آنها توسط افراد نزدیک خانواده صورت گرفته است که همسر، برداری، مادر و پدرشوهر و مادر مسببین این قتل‌ها بوده‌اند و کشته شدن ۱ مورد توسط افراد ناشناس با هدف دزدی صورت گرفته است. از این ۵ زن، ۳تن با خفگی، ۱ تن با چاقو و ۱ تن بصورت به آتش کشیدن جان خود را از دست داده است.

یکی از این زنان کودکی ۱۰ ساله بوده که توسط مادرش خفه شده است.

بیشتر درباره زنان کشته شده در این بازه زمانی:

۱۰ تیرماه ۱۳۹۸، یک زن با هویت "فرشته ملکی" دختر ۱۰ ساله خود را به نام "ندا محمدی" خفه کرد. این قتل در محله گلشن سنندج روی داد. پدر و مادر ندا چند سال پیش از هم جدا شده بودند.

۱۴ تیر۱۳۹۸، یک زن اهل بوکان با هویت "مریم خدریان" ۵۰ ساله توسط شوهرش با هویت "کریم عبده‌زاده" ۵۵ ساله به قتل رسیده است.این زن به دلیل مشکلات خانوادگی و با ضربات چاقو توسط همسرش به قتل رسیده است. ۲۰ام تیرماه سال جاری، یک زن جوان اهل روستای تازه آباد دوله‌ره‌ش" از توابع دیواندره با هویت " زهرا رسولی" از سوی یکی از اعضای درجه یک خود "برادر" به قتل رسید. گفتنیست که، این زن جوان به سبب مشکلات خانوادگی از سوی برادرش به قتل رسیده است. قاتل پس از اختلاف با داماد خانواده "همسر مقتول" اقدام به خفه کردن خواهر خود کرده است.

۲۸ تیر ماه ۱۳۹۸، یک دختر ۲۱ ساله اهل ارومیه با هویت "شبای کامران" فرزند در بیمارستان "خمینی" شهر ارومیه به دلیل خشونت ساختاری و گردش خشونت